

نویسنده: دنیل بوومونت «Daniel Beaumont»

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2023-12-29».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

بن بست: اسرائیل در غزه گم «نابود» میشود

Dead End: Israel Gets Lost in Gaza

Dead End: وضعیتی که امیدی به پیشرفت ندارد:
مذاکره کنندگان در تلاش برای یافتن راه حل مسالمت آمیز به بن بست رسیدند!



عکاسی: گابریل سوتو

تا قبل از «7» اکتبر وقایع غزه در «9» سال گذشته به ندرت حتی که در اسرائیل نیز خبرساز شد. یعنی که برخی از رویدادها باعث می‌شود که حماس موشک‌هایی را به سمت اسرائیل شلیک کند و جت‌های اسرائیلی با پرتاب بمب‌هایی چند برابر مخرب‌تر روی «محل‌های نظامی منتخب» در غزه پاسخ دهند. یاکه بمبارد کند؛ همه اینها به قدری غیرقابل توجه تلقی می‌شد که ارتش اسرائیل از آن به عنوان "دریدن چمن" یاد می‌کرد.

متحدان اسرائیل، ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان نیز توجه چندانی به این رویدادها نداشتند. وضعیت فلسطینیان در کرانه باختری رود اردن و غزه ممکن است به طور نامحدود ادامه یابد. فلسطینی ها بیش از نیم قرن اشغال و ظلم را متحمل شده بودند - پس چرا نیم قرن دیگر نه؟ از دیدگاه دولت های مختلف اسرائیل از زمان پیمان کمپ دیوید با مصر در سال (1978)، اینها مسائلی بودند که می توانستند مدیریت شوند، در حالی که اسرائیل به دزدی تدریجی کرانه باختری ادامه می داد. تا آنجا که به غزه مربوط می شود، تبدیل آن پس از سال 2004 به زندانی که 2.2 میلیون زندانی در آن نگهداری می شود، این موضوع را «دفع» کرده بود. اما بعد اتفاقی افتاد:

در «7 اکتبر»، فوران خشونت از آن قطعه زمینی کوچک (غزه) رخ داد که تعداد کمی از مردم اسرائیل - یا هر جای دیگر - ممکن است فکرش را بکنند. شوکی که حمله حماس در اسرائیل ایجاد کرد، نه تنها در دولت و ارتش اسرائیل، بلکه در بین شهروندان اسرائیلی به طور کلی، چیزهای زیادی را در مورد رضایتمندی دولت و ارتش اسرائیل بیان می کند. یک روزنامه نگار اسرائیلی اخیراً اظهار داشت که اکثر اسرائیلی ها به فلسطینی ها مانند مبلما نی می نگرند که می توان در اتاق نشیمن آنها جابه جا کرد.

«7» اکتبر نیز رضایت یا دلخوشی آمریکا و اروپا را از بین برد. بسیاری از وقایع در شش یا هفت سال گذشته موضوع فلسطینی ها را درها له ای از ابهام قرار داده بود. جنگ در اوکراین آشکارا رویداد اصلی بود. اما حتی زمانی که توجه به خاورمیانه معطوف شد، بر مسائل دیگری متمرکز شد. ایران و نفوذ آن بر عراق، تنش بین آن «ایران» و عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس در سال های اخیر تلاش هایی برای دور زدن موضوع اشغال کرانه باختری توسط اسرائیل و محاصره مجازی غزه توسط اسرائیل صورت گرفته است. آخرین تلاش به طور خودنمایی «پیمان ابراهیم» نامیده شد. این - که ظاهراً محصول مغز **جرد کوشنر** کارشناس مشهور خاورمیانه است - در میان قربانیان 7 اکتبر بود.

پس از 1200 نفر اسرائیلی که توسط حماس در 7 اکتبر قتل عام شدند، تلفات بعدی، شهرت تقریباً خداگونه ارتش اسرائیل و موساد و پسرعموها بیش در اطلاعات اسرائیل بود. اگر منصف باشیم، برخی در دستگاه اطلاعاتی اسرائیل بودند که احساس کردند ممکن است چیزی در راه باشد. سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل امان به **نتانیا هو** هشدار داد که اختلافات در جامعه اسرائیل ناشی از "اصلاحات قضایی" **نتانیا هو** می تواند حمله حماس یا حزب الله را علیه اسرائیل تشویق کند. اما ظاهراً ژنرال های اسرائیلی به اندازه **نتانیا هو** چشمک زده بودند که اولویت اولش به جای همتای آمریکایی اش - بیرون ماندن از زندان است.

این شکست دلیل شدت حمله اسرائیل به غزه است **نتانياهو** و ارتش اسرائیل تلاش کرده اند تا شکست عظیم خود را با نمایش قدرت آتشی که احتمالاً در مراحل اولیه اش آسیب چندانی به حماس وارد نمی‌کند، پنهان کنند - در هر حال، اگر آنها اطلاعات خوبی را قبل از 7 اکتبر در اختیار داشتند، احتمالاً با برتری گسترده شان در با قدرت آتش آنها «حماس» از آن جلوگیری میکردند. چنانکه به سرویس‌های اطلاعاتی مورد احترام اسرائیل - شین بت، موساد و دیگران آسیب وارد شد.

برای اسرائیل، حمله حماس در 7 اکتبر با 11 سپتامبر برای ایالات متحده مقایسه شده است. اما یک تفاوت قابل توجه بین این هر دو رویداد وجود دارد. گرچه دخالت آمریکا در خاورمیانه القاعده رابه وجود آورد، اما هیچ کس فکر نمی‌کرد که **جورج دبلیو بوش** تلاش کند القاعده را ایجاد کند. اما در مورد نتانياهو اینطور نیست.

به خوبی مستند شده است که اوبیعی **نتانياهو** و دیگران در حزب **لیکود** به ایجاد حماس کمک کردند، از آن حمایت مالی کردند تا فلسطینی‌ها را در هم بشکنند تا لیکود و دیگر احزاب راست اسرائیلی مخالف هر کشور فلسطینی بتوانند ادعا کنند که هیچ طرفی برای مذاکره با آنها ندارند. این به سادگی به عنوان یک تاکتیک به تعویق انداختن بود در حالی که شهرک‌های اسرائیلی در سراسر کرانه باختری متاستاز شده بودند. اما در 7 اکتبر، حماقت همدستی **نتانياهو** در ایجاد حماس برای اکثر اسرائیلی‌ها در مه زمان از دست رفت. چقدر باهوش بود تا وقتی که نبود.

امتیاز مثبت **نتانياهو** در حالی که من می‌نویسم حدود (25) درصد است - قلبت را بیذیر، بایدن! «قابل توجه به بایدن» او قبلاً در مطبوعات اسرائیل متهم شده است که از جنگ به عنوان یک عکسبرداری برای کمپین بعدی خود استفاده کرده است. بسیاری از خانواده‌های گروگان‌ها همچنان خشم خود را از او «بایدن» ابراز می‌کنند. سه هفته طول کشید تا او اعصاب خود را برای ملاقات با آنها بالا ببرد. او به وضوح اولویت حمله همه جا نبه را بر مذاکره برای آزادی گروگان‌ها با حماس داده است. این دوهدف با هم سازگار نیستند. تبدیل غزه به ویرانه - گروگان‌ها را آزاد نخواهد کرد.

گویا اعتبار ارتش اسرائیل به اندازه کافی آسیب ندیده است، آنها سه گروگان را که به نحوی از چنگال حماس فرار کرده بودند، کشتند. پرچم سفید موقتی یا تسلیمی را تکان می‌دادند. یک سرباز اسرائیلی فریاد زد: اوتروریست‌ها! دو نفر بلافاصله به ضرب گلوله کشته شدند. سومی به ساختمان مجاور فرار کرد و در آنجا او را تعقیب کردند و کشتند در حالی که او به زبان عبری از آنها تقاضای جان خود می‌کرد. به سختی می‌توان به نمونه‌ای آشکارتر از حماقت و ناتوانی جنایتکارانه فکر کرد. در این میان، ایالات متحده در مورد تلفات غیرنظامیان در غزه که به بیش از 20000 نفر میرسد، نگران شده است. این ظاهر را خیلی زیاد است - وزارت امور خارجه هنوز تعداد قابل قبولی از غیرنظامیان کشته شده را اعلام نکرده است. **بایدن** این بمباران را «بدون تبعیض» توصیف کرده

است - مشخص شده است که بیش از 40 درصد از بمب‌هایی که اسرائیل روی غزه انداخته است، به اصطلاح «بمب‌های گنگ» هستند.

به نظر می‌رسد که حماس بهتر از اسرائیل یا ایالات متحده از آنچه انجام می‌دهد، می‌داند. این استراتژی چریکی برای اجتناب از نبردهای تن به تن، قرار دادن کمین‌های کوچک قبل از نوب یا زوال شدن است. در مورد جنگجویان حماس به سیستم تونل خود. یا شاید با توجه به منظره شهری وسیع ساختمان‌های بمباران شده و متریکه‌ای که در اثر بمباران اسرائیل ایجاد شده است - ساکنان آن بر اساس جزوهای اسرائیلی برای جستجوی سرپناه در جای دیگری فرار کرده‌اند یا مرده در زیر آوار افتاده‌اند. جنگجویان حماس می‌توانند در شب از ویرانه‌ها به عنوان یک جنگل شهری بهره‌برداری کنند. آنها خیابان‌ها و کوچه‌ها را می‌شناختند و ریشه‌کن کردن آنها برای ارتش اسرائیل بسیار پرهزینه خواهد بود.

دو عارضه جانبی دیگر حمله حماس در 7 اکتبر را باید ذکر کرد. اولین مورد، سرکوب مخالفان اسرائیل توسط **نتانیا‌هو** است. کنست اخیراً اصلاحیه‌ای را در قانون مبارزه با تروریسم تصویب کرد که جرم «مصرف منظم و مستمر نشریات یک سازمان تروریستی» را با حداکثر یک سال حبس محکوم می‌کند. به عبارت دیگر، روزنامه‌نگاری که به سادگی بیانیه‌های عمومی حماس، حزب‌الله یا حتی YPG کرد را می‌خواند، ممکن است به مدت یک سال به زندان بیفتد - احتمالاً «مصرف» آنها توسط نرم‌افزار جاسوسی معروف پگاسوس شرکت اسرائیلی که در سراسر جهان استفاده می‌شود دستگیر شود. برای «مبارزه با تروریسم» و دستگیری مخالفان.

مایر باروچین، معلم و فعال اسرائیلی مخالف جنگ غزه، به اتهام «فتنه و قصد خیانت» بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت. او چهار روز را در سلول انفرادی گذراند تا اینکه آزاد شود. برای روزنامه‌نگاران، به ویژه روزنامه‌نگاران فلسطینی، قطعاً وضعیت بدتر خواهد بود. آنچه که تنها دموکراسی در خاورمیانه نامیده می‌شود بسیار زیاد است.

حمله اسرائیل به غزه 53 خبرنگار و دستیاران رسانه‌ای آنها، 46 فلسطینی، 3 لبنانی و 4 اسرائیلی را به قتل رساند. حمله به مردم غیرنظامی غزه همچنین حمله به خبرنگاران برای سرپوش گذاشتن بر حمله به غیرنظامیان است. کشته شدن **شرین ابواخله** روزنامه‌نگار فلسطینی-آمریکایی توسط ارتش اسرائیل در سال گذشته نشان می‌دهد که اسرائیل در کشتن روزنامه‌نگاران برای کشتن و یا از بین بردن داستان‌ها تردیدی ندارد. در ماه مه 2022، در جریان حمله ارتش اسرائیل به **جنین** در کرانه باختری، **ابواخله** توسط یک تک‌تیرانداز ارتش اسرائیل مورد اصابت گلوله قرار گرفت - این یک گلوله سرگردان نبود. تحقیقات متعدد توسط گروه‌های غیر اسرائیلی، از جمله در شروع وزارت داخله ایالات متحده، به این نتیجه رسید که او عمداً هدف قرار گرفته است. البته قاتل او هرگز مجازات نشد.

دومین اثر جنگ غزه افزایش خشونت شهرک نشینان علیه فلسطینیان در کرانه باختری است. شهرک نشینان فرصت را غنیمت شمردند، در حالی که جهان خارج بر غزه متمرکز شده است، تا حملات خود را به شهرهای فلسطینی، ورود به خانه ها، ضرب و شتم مردم، آتش زدن خودروها، تخریب باغات میوه افزایش دهند. آنها دهکده های کوچک را به وحشت می اندازند و در بسیاری از موارد موفق می شوند همه ساکنان را بیرون کنند تا روستاها را به طور کامل پاک کنند. اگر این اقدامات شبیه اقدامات نازی ها در دهه 1930 به نظر می رسد، به این دلیل است که آنها همان چیزها هستند. اولین اعمال خشونت آمیز برای بیرون راندن مردم از مکانی است که سالها در آن زندگی کرده اند. این مقدمه ای است برای جنگ با آنها تا به زور آنها را بیرون کنند و اگر مقاومت کردند آنها را بکشند. در این مورد آنها سندی را دنبال می کنند که شش سال پیش توسط وزیر دارایی فعلی اسرائیل **بزالل اسموتریچ** نوشته شده بود. عنوان سند "طرح تعیین کننده" بود. در این سند فقط به طور گذرا از غزه نام برده شد، **اسموتریچ** از الحاق کل کرانه باختری دفاع کرد و به فلسطینی ها این حق را داد که ترک کنند یا بمانند و به عنوان غیر مردمی زندگی کنند. اگر هرکسی برای مقاومت دست به اسلحه برد، باید به عنوان تروریست به او رفتار کرد و کشته شد. وقتی **اسموتریچ** طرح خود را به صورت عمومی ارائه کرد، از او پرسیده شد که آیا این به معنای شامل زنان و کودکان نیز هست، او پاسخ داد: «در جنگ هم مانند جنگ. «طرح قاطع، راه حل نهایی - برای فاشیست ها چیزی به نام کنایه وجود ندارد.»

در 6 دسامبر ارتش اسرائیل توصیه کرد که غیرنظامیان اسرائیلی به بخشی از جنوب المواسی تخلیه شوند. اکنون تخمین زده می شود که خانه های 85 درصد از 2.2 میلیون نفر ویران شده است. الجزیره گزارش داد که ارتش اسرائیل به بیش از 1.5 میلیون غیرنظامی بی خانمان که قبلاً از آب، غذا و دارو محروم بودند، که بسیاری از آنها زخمی و مریض بودند، گفت که به منطقه ای به اندازه فرودگاه هیترو نقل مکان کنند. شاید بتوان فکر کرد که چنین پیشنهادی نمی تواند جدی گرفته شود. اما باید آن را جدی گرفت زیرا پیام واقعی آن این بود: در هیچ کجای غزه برای شما جایی نیست. اگر جایی در غزه بمانید، خواهید مرد.

تلفات غیرنظامیان معمولاً محصول جانبی بی توجهی بی رحمانه ارتش اسرائیل به غیرنظامیان در عزم آنها برای نابودی حماس به عنوان یک نیروی نظامی است. اما این مورد نیست. در واقع غیرنظامیان نیز یک هدف هستند. این توسط یک مقاله منتشر شده توسط مجله کوچک مستقل آنلاین به نام +972 ثابت شده است. این مجله توسط چهار روزنامه نگار اسرائیلی در سال 2010 راه اندازی شد و اکنون تعدادی از روزنامه نگاران فلسطینی نیز در آن مشغول به کار هستند «+972». کد کشوری است که به اسرائیل و کرانه باختری و غزه اختصاص داده شده است و ممکن است به عنوان تعهد مجله به یک کشور واحد برای اسرائیلی ها و فلسطینی ها در نظر گرفته شود.

در 30 نوامبر +972 مقاله ای از یووال آبراهام روزنامه نگار اسرائیلی منتشر شد . عنوان مقاله «یک کارخانه کشتار جمعی» بود: در داخل بمباران حساب شده اسرائیل غزه. «ابراهیم از منابع ناشناس، افشاگران، در ارتش و اطلاعات اسرائیل استفاده می کند. ساختمان های آپارتمانی، مدارس، دانشگاه ها، بازارهای بانک ها همگی هدف هستند - هماهنگی که یکی از منابع می گوید، این ایده که مرگ غیرنظامیان و ویرانی های عمده است، «غیرنظامیان را به فشار بر حماس سوق می دهد.» این ایده مشکوک تنها نشان دهنده حماقت نتانیا هو و متحدان شهرک نشین اوست. منبع ناشناس دیگری در این مقاله می گوید: «وقتی دختر بچه ای سه ساله در خانه ای در غزه کشته می شود، به این دلیل است که کشته شدن او برای او کار مهمی نبوده است - بهایی که ارزش پرداخت آن را دارد [هدف دیگر]».

دلیل دیگر برای تعداد وحشتناک تلفات، استفاده ارتش اسرائیل از سیستمی به نام Hasbora (انجیل) است که از هوش مصنوعی برای ایجاد اهداف بسیار سریعتر از انسان استفاده می کند. این اهداف به تعداد غیرنظامیانی که یک افسر اطلاعاتی بازنشسته آن را «کارخانه کشتار جمعی» می نامد، بی اعتنایی می کند.

و این نکته محوری مقاله یووال آبراهام است: غیرنظامیان فلسطینی به اندازه حماس در حمله کنونی غزه هدف قرار می گیرند - که هر درخواستی از ارتش اسرائیل برای دقیق تر کردن هدف قرار دادن آنها بی فایده است. آنها در هدف گذاری خود دقیق هستند. آنها غیرنظامیان را در تیررس خود دارند. با این وجود، ایالات متحده همچنان به صدور بیانیه های جعلی ادامه می دهد. در 13 دسامبر، **جان کری**، سخنگوی امنیت ملی، درباره نقشه هایی که ارتش اسرائیل منتشر کرد که نشان می داد کدام محله ها را بمباران خواهند کرد، گفت: «این اساساً به معنای ارسال تلگراف با مشتهای شماسست... من نمی دانم که ما این کار را انجام خواهیم داد.» البته این به سختی قابل تمجید از یک قدرت نظامی است که میراث اخیر آن فلوجه، رمادی و بعقوبه است.

متعاقباً با یووال آبراهام در PBS مصاحبه شد و او از تغییر دیگری در تاکتیک های هدف قرار دادن ارتش اسرائیل صحبت کرد که تلفات غیرنظامیان را حتی با در نظر گرفتن تلفات غیرنظامیان چند برابر کرده است:

بنابراین، در گذشته، به گفته منابع، برای یک ترور، ده ها غیرنظامی فلسطینی اجازه کشته شدن راداشتند. پس از «7» اکتبر این رقم 10 برابر یا 20 برابر تعداد مجاز در نسبت به گذشته شده است. [یا به عبارت دیگر در وقوع یک ترور باید تا بیست فلسطینی ملکی کشته شود که البته اسرائیل این حق را بخود میدهد]

در 10 اکتبر، سخنگوی ارتش اسرائیل گفت: "تاکید بر آسیب است و نه بر دقت." در همان روز، **یوآو گالانت**، وزیر دفاع، اعلام کرد: «من تمام محدودیت ها را کاهش داده ام - هرکسی را که با آنها می جنگیم، خواهیم کشت. ما از هر وسیله ای استفاده خواهیم کرد» **یوآو گالانت**، وزیر دفاع: «برای فلسطینی ها در غزه - نه برق، نه غذا، نه سوخت

وجود خواهد داشت، همه چیز بسته است. ما با حیوانات انسان نما می جنگیم و براساس آن عمل می کنیم «منظور از "حیوانات انسانی" نباید تنها به عنوان اشاره به حماس در نظر گرفته شود. هر کس چیزی در مورد دیدگاه های بسیاری از رهبران اسرائیل بداند می داند که این چیز جدیدی نیست. **مناخیم بگان**، که به دلیل کلاهبرداری از انور سادات در قرارداد کمپ دیویددرسال 1978 برنده جایزه صلح نوبل شد، از فلسطینی ها به عنوان "حیوانات روی دوپا" یاد کرد. همچنین نباید آن را به عنوان چیزی محدود به سیاستمداران جناح راست در نظر گرفت. **گلدای مایر** مشهور که به حزب کارگر تعلق داشت، فلسطینی ها را "سوسک" خطاب کرد.

اکنون باران های شدید خیابان های غزه را پر کرده است و سازمان جهانی بهداشت، UNRWA [آژانس امدادوکار سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک] و بسیاری از آژانسهای دیگر که برای کمک به فلسطینی ها در غزه تلاش میکنند، نگران شیوع وبابوسا یربیماری ها هستند. اما از نظریک ژنرال بازنشسته اسرائیلی، **گیورا اینلد**، که قبلاً رئیس شورای امنیت ملی بود، این امر به اسرائیل کمک می کند تا به پیروزی برسد. او در مقاله ای با عنوان "بیایید مرعوب دنیا نشویم" نوشت:

"جامعه بین المللی به ما نسبت به یک فاجعه انسانی شدید و اپیدمی های شدید هشدار می دهد. ما نباید از این موضوع دوری کنیم به هر حال، اپیدمی های شدید در جنوب غزه پیروزی را نزدیک تر خواهد کرد.

یکی از موضوعات برجسته ای که به گفته رسانه های جریان اصلی، با ادامه جنگ به طور فزاینده ای بین آمریکا و اسرائیل شکاف می کند، این است که دولت نتانیا هو هیچ برنامه ای برای غزه پس از پایان جنگ ندارد.

این اشتباه است. **نتانیا هو** و متحدانش نوعی برنامه دارند. تنها مشکل این است که مضحک است و امکان تحقق آن صفر است.

یووال آبراهام، روزنامه نگار اسرائیلی، در مقاله ای که در 30 اکتبر منتشر شد، نوشت:

بر اساس یک سند رسمی که دیروز برای اولین بار توسط سایت شریک Local Call منتشر شد، وزارت اطلاعات اسرائیل انتقال اجباری و دائمی 2.2 میلیون فلسطینی ساکن نوار غزه به شبه جزیره سینا مصر را توصیه می کند.

یک منطقه استریل «معقم» چند کیلومتری باید در مصر ایجاد شود.

این وزارتخانه در گزارش خود توصیه کرد که اسرائیل برای انجام این انتقال "از کمک بین المللی استفاده کند." مصر کمتر از نیم دوجین بار در سند ذکر شده است. دو مورد از مهمترین آنها عبارتند از:

مصر " .

مصر بر اساس قوانین بین المللی موظف است اجازه عبور و مرور مردم را بدهد .

پس از اینکه نویسندگان اسرائیلی این سند سخاوتمندانه زمین مصر را به طرح احمقانه خود اهدا کردند، با ریاکاری نفس گیر از تعهد مصر بر اساس قوانین بین المللی صحبت می کنند - که اسرائیل از زمان ایجادش در سال 1948 هر روز آن را زیر پا گذاشته است .

طرح ساده است به گفته گیورا اینلد، این طرح «ایجاد شرایطی است که زندگی در غزه ناپایدار شود . غزه به مکانی تبدیل خواهد شد که هیچ انسانی نمی تواند در آن وجود داشته باشد .

ابراهام ادامه می دهد که طرح مشا بهی توسط یک اندیشکده دست راستی موسسه Misgav به ریاست یکی از نزدیکان نتانیا هو ارائه شده است . نویسنده یکی از امیر و ایتمن بود که آن را به آریل کالمر یکی از اعضای لیکود در کنست نشان داد و گفت :
"راه حلی که شما پیشنهاد می کنید، انتقال جمعیت به مصر، راه حلی منطقی و ضروری است " .

از آنجایی که این طرح ها برای غزه به خوبی با طرح اسموتریچ برای تخلیه کرانه باختری از فلسطینی ها همراه است ، می توان فرض کرد که او و کسانی که به طرح او علاقه دارند، آن را تأیید می کنند . جدای از جنایت گستاخی این طرح ها، نقشه ها نشان می دهد که وزرای نتانیا هو چقدر از واقعیت جدا شده اند .

این احتمال که ایالات متحده چنین پیشنهادهایی را امضا کند - و به طور عمده هر کشور دیگری در جهان - نشان می دهد که راست اسرائیل چقدر با واقعیت فاصله دارد . همانطور که من می نویسم نتانیا هو می گوید حمله " عمیق " و " تشدید " خواهد شد بر عین حال، **بایدن** از سوی افراد حرفه ای در وزارت امور خارجه و همچنین دموکرات ها در کمیته های اطلاعاتی مجلس نمایندگان، نیروهای مسلح یا کمیته های امور خارجه برای مهار حمله اسرائیل تحت فشار قرار می گیرد . **بایدن** باید به این فکر کند که آیا حمایت طولانی مدت او از اسرائیل به قیمت انتخاب مجدد او تمام خواهد شد یا خیر . او همچنین باید بداند که دوهدف نتانیا هو، در هم شکستن حماس و بازگرداندن گروگان ها، ناسازگار هستند . دومی را می توان با آتش بس و مذاکره به دست آورد . حمله و بمباران گسترده احتمال بیشتری برای کشتن گروگان ها دارد . پیشنهادات برای پرکردن سیستم تونل عظیم حماس با آب دریا، آنها را نیز غرق می کند . **بایدن** در طول دوران حرفه ای خود همواره تمایل به مصالحه با «اصول» خود داشته است، اما ممکن است زمانی به زودی فرا برسد که سیاست واقعی منافع ایالات متحده و منافع اسرائیل برای مصالحه بیش از حد از هم جدا شوند . نتانیا هو احتمالاً به پیروزی **ترامپ** در سال 2024 امیدوار است ، هرچند که می تواند نتیجه معکوس نیز داشته باشد - **ترامپ** به هیچکس جز خودش وفاداری ندارد .

اوباش MAGA] آمریکا را دوباره بزرگ کردن [پر از یهودی ستیز و انجیلی است که امیدوارند عیسی به زودی جهان را منفجر کند.

پس از رای گیری در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که خواستار آتش بس فوری شد - که آمریکا و اسرائیل با آن مخالفت کردند - **با ی د ن** گفت: "بیشتر کشورهای جهان از موقف اسرائیل حمایت می کنند". رای مخالف ایالات متحده و اسرائیل با 153 موافق در مقابل 10 بود. طبق گفته **با ی د ن**، "اکثر جهان" شامل اتریش، چک، گواتمالا، لیبریا، میکرونزی، نائورو، پاپوا گینه نو و پاراگوئه بود. متحدان اصلی اروپایی ایالات متحده، همگی به دلیل احترام شرم آور از حمایت شان خودداری کردند. اکنون استیصال رژیم **نتانیا هو** در ادعای یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل دیده می شود. او در 26 دسامبر در نشست کمیته امور خارجه و دفاع درکنست گفت که اسرائیل با جنگ «چند عرصه» از هفت جبهه مختلف از جمله غزه، لبنان، سوریه، کرانه باختری، عراق، یمن و ایران مواجه است. **گالانت** گفت که اسرائیل "در شش جبهه از این جبهه ها واکنش نشان داده و اقدام کرده است". در واقع رژیم **نتانیا هو** خواهان چنین جنگی است که در محاسبات آنها آمریکا را وارد جنگ دیگری در خاورمیانه کند.

دروغ های **نتانیا هو** و ارتش اسرائیل حکایت از ناامیدی دارد. در 12 دسامبر، زمانی که بخش شمالی غزه توسط ارتش اسرائیل محاصرت شد، حماس به یک واحد اسرائیلی کمین کرد و ده سرباز اسرائیلی را کشت. مهمتر از آن، این دروغ وجود داشت که حماس یک دفتر مرکزی در زیر بیمارستان الشفا در شهر غزه دارد. هیچ مدرکی برای آن ارائه نشد. ویدئویی که ارتش اسرائیل شبیه کاریک بچه هشت ساله است. مقاله واشنگتن پست در 21 دسامبر هیچ مدرکی برای حمایت از آن پیدا نکرد. اسرائیل تحت سیاست **نتانیا هو** مبنی بر عدم وجود کشور فلسطینی تحت هیچ شرایطی در مسیر برخورد با واقعیت قرار دارد. اکنون به نظرمی رسد که حمله حماس در 7 اکتبر نه تنها اسرائیل بلکه محاسبات خاورمیانه را تغییر داده است. اسرائیل بیش از هر زمان دیگری منزوی شده است. پاسخ نظامی این کشور به 7 اکتبر تنها انزوای آن را افزایش می دهد، حتی باعث می شود افراد بیشتری در قدرتمندترین متحد خود، ایالات متحده، رابطه خود با اسرائیل را زیر سوال ببرند.

(7) اکتبر یک چیز را روشن کرده است. فلسطینی ها نمی روند. و رهبری کنونی اسرائیل دچار توهم شده است که فکر می کند می تواند مسائل را با قدرت نظامی حل کند. این ایده که کشورهای عربی اطراف اگر بتوانند میلیون ها فلسطینی را می پذیرند - که نمی توانند چون اقتصادشان در بحران است - آنقدر از واقعیت دور است که باید به این فکر کرد که وزیرای شهرک نشین **نتانیا هو** در چه جهان دیگری زندگی می کنند. از مراکش تا عراق، اعراب - اعم از مسلمان و مسیحی - قرن ها در کنار هم در صلح با یهودیان زندگی کرده اند. اما از مراکش تا عراق، دولت اسرائیل به عنوان یک موجودیت آپارتاید

صهیونیستی در نظر گرفته می شود که توسط یک قدرت استعماری در جهان عرب کاشته شده است . به قدرت رسیدن راست افراطی در اسرائیل آنچه را که همیشه هسته اصلی پروژه صهیونیستی بود آشکار کرد . مردم بروکلین به فلسطینی ها می گویند که حقی برای سرزمینی که اجدادشان هزاران سال در آن زندگی کرده اند ندارند **آمی آیالون**، رئیس سابق شین بت آژانس امنیت داخلی اسرائیل، گفت: « اسرائیل پس از 7 اکتبر، اسرائیل متفاوتی خواهد بود..... رهبری کنونی باید از زندگی ما ناپدید شود، از اینکه ما را با چشمانی باز به وحشتناک ترین بحران کشاند .

این یک واقعیت ساده و سخت است که سیاستمداران ایالات متحده و اسرائیل برای دهه ها سعی کرده اند آن را نادیده بگیرند . هیچ در پستی یا در فرعی وجود ندارد که به صلح بین جهان عرب و اسرائیل منجر شود که از راه فلسطین عبور نکند . راه حل دو حالتی برای مدت طولانی یک رویا بوده است . کرانه باختری اکنون به قدری توسط شهرک ها و دیوارهای اسرائیلی بریده شده است که یک کشور فلسطینی در آنجا شبیه پازلی «معمای» است که بیشتر قطعات آن را از دست داده است . نقشه اسرائیل برای غزه غیرقابل سکونت شدن آن است . اکنون واقع بینانه ترین راه حل این است که اسرائیلی ها و فلسطینی ها در یک کشور آزاد از رودخانه تا دریا با هم زندگی کنند .

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله تحلیلی :

دانیل بومونت زبان و ادبیات عربی و دوره های دیگر را در دانشگاه روچستر تدریس می کند . او نویسنده *Slave of Desire: Sex, Love & Death in the 1001 Nights* و *Preachin' the Blues: The Life & Times of Son House* است یا او می توان از طریق daniel.beaumont@rochester.edu تماس گرفت .

----- **با تقدیم احترامات «2023-12-31»**

مقاله ذیل در ارتباط با جنگ در غزه:

نویسنده : م.ک بهادر اکمار «M.K.Bhadra kumar»

منبع و تاریخ نشر : کریدل «2023-12-28»

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چگونه یمن همه چیز را تغییر داد

How Yemen changed everything

انصارالله یمن در یک حرکت، غرب و نظم مبتنی بر قوانین آن را مات کرد.

In a single move, Yemen's Ansarallah has checkmated the west and its rules-based order.



عکاسی توسط : کریدل

شطرنج چه که در شمال هند، شرق چین یا که در آسیای مرکزی اختراع شد - با زهم از ایران تا ترکستان - یک بازی آسیایی است. در شطرنج، همیشه زمانی فرا می رسد که یک پیاده ساده می تواند کل صفحه شطرنج را به هم بریزد، معمولاً از طریق یک حرکت در رده عقب که تأثیر آن به سادگی قابل محاسبه نیست.

بلی، در بازی شطرنج گاهی هم یک پیاده می تواند مات لرزه ای را تحمیل کند. ویاکه شکست و مات لرزه ای را بار آورد- تا جا یکه ما در حال حاضر از نظر ژئوپلیتیکی در اینجا هستیم .

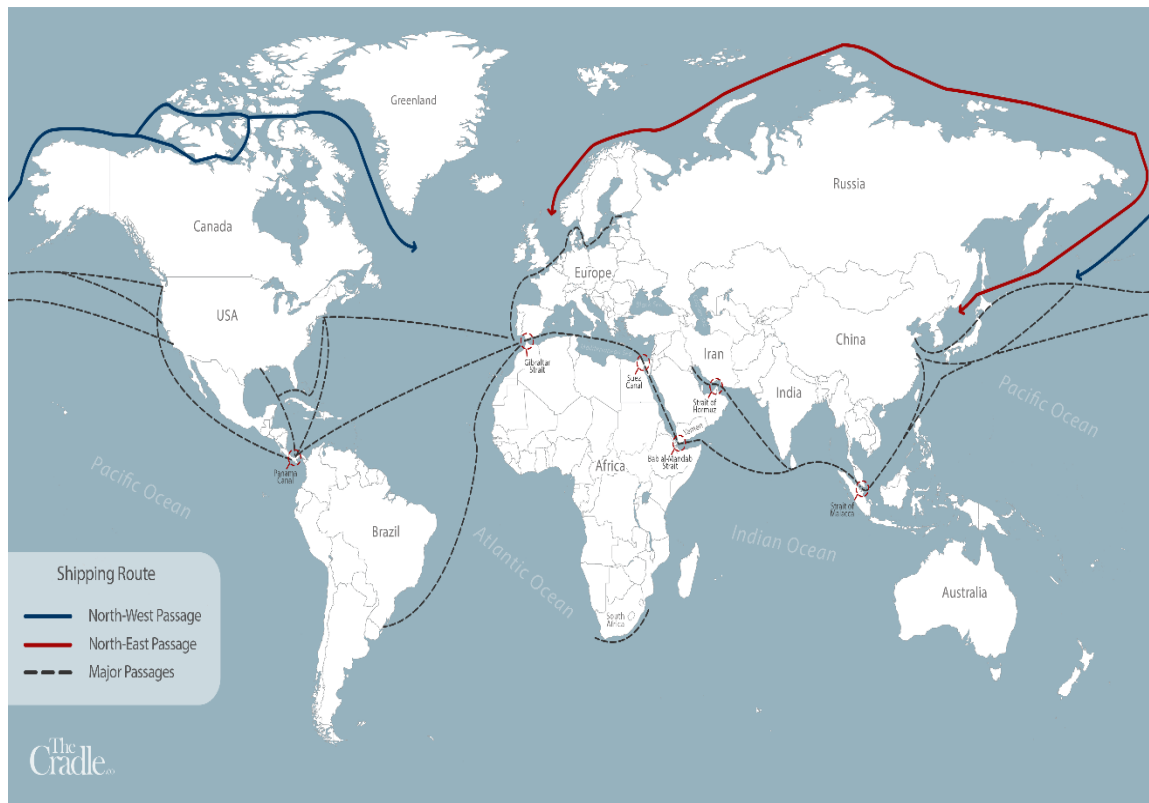
اثرات نوع آبخاری (یا به شدت سریع) یک حرکت واحد در صفحه شطرنج - نظیر محاصره خیره کننده و بادقت و هدفمند انصارالله یمن در دریای سرخ - فراتر از کشتیرانی جهانی، زنجیره تامین و جنگ کریدورهای اقتصادی است. ناگفته نماند که پیش بینی نیروی دریایی ایالات متحده که بسیار موردتحمیل قرار گرفته است به بی ربط بودن کاهش پیدا می کند .

جنبش مقاومت یمن، انصارالله، به صراحت اعلام کرده است که هر کشتی وابسته به اسرائیل یا به مقصد سفر به اسرائیل توقیف خواهد شد. در حالی که غرب در این مورد تلاش می‌کند چونکه خود را هدف تصور می‌کند، اما بقیه جهان کاملاً می‌دانند که همه حمل‌ونقل‌های دیگر آزاد است. اعم از تانکرهای روسی - و همچنین کشتی‌های چینی، ایرانی و کشورهای جنوب جهان - بدون مزاحمت در مسیر باب‌المنندب (باریک‌ترین نقطه: 33 کیلومتر) در دریای سرخ به حرکت خود ادامه می‌دهند.

فقط هژمون «ایالات متحده» از این چالش با "نظم مبتنی بر قوانین" خودآشفته است. و از این برخوردارخشمگین است از اینکه کشتی‌های غربی که انرژی یا کالا را به اسرائیل قانون‌شکن (اسرائیلی که از پذیرفتن قانون ابا می‌ورزد) تحویل می‌دهند، به عبور و مرور آن کشتی‌ها موانع را بوجود می‌آورند یا که زنجیره تامین و یا انتقال کالا قطع شده و در بحران عمیقی فرو میرود البته که هدف مشخص شده ضربه زدن به اقتصاد اسرائیل است که در حال حاضر به شدت در حال خونریزی و نگرانی است. وثابت می‌کند که این حرکت یمن حرکتی است که از سیل تحریم‌های امپراتوری کارآمدتر است.

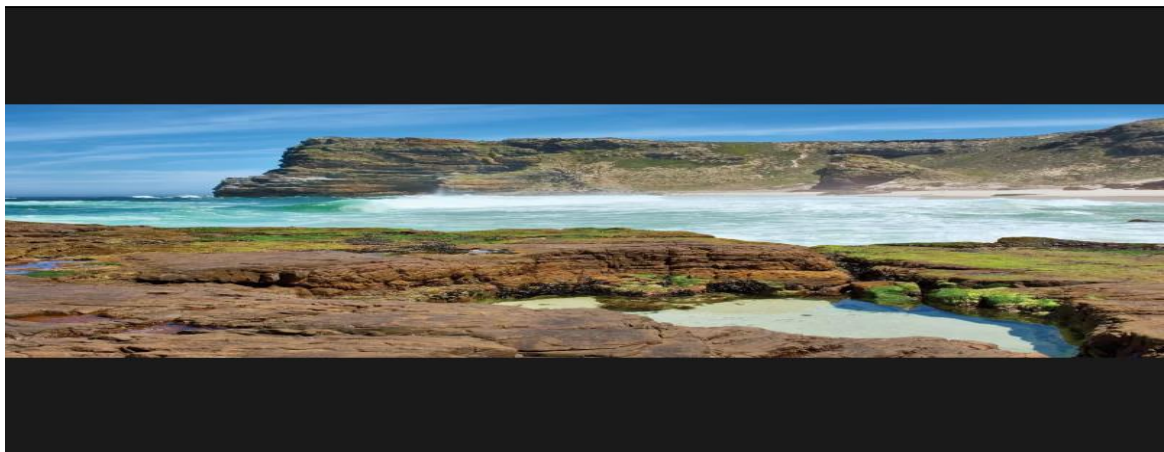
این امکان وسوسه برانگیز تبدیل و تحول این حرکت واحد به یک تغییر پارادایم - بدون بازگشت - است [یا به عبارت دیگر این حرکت یونیک و یا واحد خود امکان تبدیل و تغییر نگران‌کننده و یا وسوسه برانگیز را موجب خواهد شد و یا که یک تغییر نمونوی غیرقابل بازگشت را بوجود خواهد آورد] که به آپلیکسی [به یک حالت خشم‌شده و غیر قابل کنترل] هژمون «ایالات متحده» می‌افزاید. به خصوص به این دلیل که تحقیر امپراتوری عمیقاً در تغییر پارادایم جا افتاده است.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، اکنون در حال ارسال پیامی غیرقابل انکار است: کانال سوئز را فراموش کنید. راهی که باید طی شود، مسیر دریای شمالی است - که چینی‌ها، در چارچوب مشارکت استراتژیک روسیه و چین، آن را جاده ابریشم قطب شمال می‌نامند.



نقشه مسیرهای کشتیرانی پاساژ شمال شرقی و شمال غربی

روس ها برای مات و مبهوت اروپایی ها، سه گزینه را به تفصیل در نظر گرفته اند:
اول ، 15000 مایل در اطراف کلاه خوب حرکت کنید .



Cap of Good Hope (دماغه صخره ای انتهای جنوبی شبه جزیره کیپ)

دوم ، از مسیر دریای شمالی ارزان تر و سریع تر روسیه استفاده کنید .
سوم ، ارسال محموله از طریق راه آهن روسیه .

روس اتم (rosatom) که بر مسیر دریای شمال نظارت دارد، تاکید کرده است که کشتی های غیر یخی «یایخ نه بندان» اکنون می توانند در تابستان و پاییز حرکت کنند و

به زودی ناوبری در تمام طول سال با کمک ناوگان یخ شکن های هسته ای امکان پذیر خواهد بود .

همه اینها پیامدهای مستقیم حرکت واحد یمنی است بعدش چی؟ ورود یمن به BRICS+ در نشست کازان در اواخر سال 2024، تحت ریاست جمهوری روسیه؟ معماری جدید در غرب آسیا قاب خواهد شد.

ناوگان تحت رهبری ایالات متحده برای عملیات حفاظت از نسل کشی که حتی قبل از تولد فروپاشید، گرد هم آمدند، جدا از ترساندن انصارالله، ممکن است برای "هشدار دادن به ایران" تشکیل شده باشند. درست مانند حوثیها، تهران به سختی مرعوب می شود، زیرا همانطور که **آلستر کروک**، تحلیلگر غرب آسیا به اختصار می گوید: «سا یکس- پیکو مرده است».

این یک تغییر کوانتومی در صفحه شطرنج است. این بدان معناست که قدرت های آسیای غربی از این پس معماری جدید منطقه ای را شکل خواهند داد، نه «طرح نمایی» نیروی دریایی آمریکا .

. این یک نتیجه غیرقابل وصف دارد: آن یازده گروه ضربت نا و هواپیما بر ایالات متحده، برای همه اهداف عملی، اساساً بی ارزش هستند .

همه در سراسر غرب آسیا به خوبی می دانند که موشک های انصارالله می توانند به میا دین نفتی عربستان و امارات ضربه بزنند و آنها را از کار بیاندازند . بنا بر این جای تعجب نیست که ریاض و ابوظبی هرگز قبول نکنند بخشی از نیروی دریایی تحت رهبری ایالات متحده برای به چالش کشیدن مقاومت یمن شوند .

نقش پهپادهای زیر آبی را که اکنون در اختیار روسیه و ایران است به آن اضافه کنید . به پنجاه مورد از اینها فکر کنید که یک ناو هواپیمابر ایالات متحده را هدف گرفته اند: این ناو هیچ دفاعی ندارد . در حالی که آمریکایی ها هنوز زیر دریایی های بسیار پیشرفته ای دارند، نمی توانند **باب المندب** و دریای سرخ را به روی اپراتورهای غربی باز نگه دارند .

در زمینه انرژی، مسکو و تهران حتی نیازی ندارند - حداقل هنوز - در مورد استفاده از گزینه «هسته ای» یا قطع بالقوه حداقل 25 درصد و بالاتر از عرضه جهانی نفت فکر کنند . همانطور که یکی از تحلیلگران خلیج فارس به اختصار آن را توصیف می کند، " این امر به طور جبران نا پذیری سیستم مالی بین المللی را منهدم می کند " .

برای کسانی که هنوز مصمم به حمایت از نسل کشی در غزه هستند، هشدارهایی وجود دارد . **محمد شیبعه السودانی** نخست وزیر عراق به صراحت به آن اشاره کرده است . تهران قبلاً خواستار تحریم کامل نفت و گاز علیه کشورهای حامی اسرائیل شده است .

محاصره کامل دریایی اسرائیل، که به طور دقیق طراحی شده است، همچنان یک احتمال متمایز است. **حسین سلامی**، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: اسرائیل ممکن است «به زودی با بسته شدن دریای مدیترانه، تنگه جبل الطارق و دیگر آبراه‌ها مواجه شود.» به خاطر داشته باشید که ما هنوز در مورد محاصره احتمالی تنگه هرمز صحبت نمی‌کنیم. ما هنوز در دریای سرخ/ **باب المندب** هستیم.

زیرا اگر نئومحافظه‌کاران استراوسی در کمربند واقعاً تحت تأثیر تغییر پارادایم قرار نگیرند و ناامیدانه برای «عبرت دادن» به ایران اقدام کنند، محاصره ترکیبی هرمز - **باب المندب** ممکن است قیمت نفت را در هر بشکه به حداقل (500) دلار برساند. و باعث انفجار بازار 618 تریلیون دلاری مشتقات و سقوط کل سیستم بانکی بین‌المللی شود.

ببر کاغذی در مربا است

بالاخره حق با **مانوتسه تونگ** بود: ایالات متحده ممکن است در واقع یک ببر کاغذی باشد. **پوتین** اما بسیار محتاط‌تر، سردتر و حسابگرتر است. با این رئیس‌جمهور روسیه، همه چیز در مورد یک پاسخ نامتقارن است، دقیقاً زمانی که هیچ‌کس انتظار آن را ندارد. این ما را به فرضیه کاری اصلی می‌رساند که شاید بتواند بازی سایه‌ای را که تک حرکت انصارالله روی صفحه شطرنج را پوشانده است، توضیح دهد.

زمانی که **سی (سیمور) هرش**، روزنامه‌نگار تحقیقی برنده پولیتزر ثابت کرد که تیم **بایدن** چگونه خطوط لوله **نورد استریم** را منفجر کرد، هیچ واکنشی از روسیه به آنچه که در واقع یک اقدام تروریستی علیه گازپروم، علیه آلمان، علیه اتحادیه اروپا و علیه بود، نشان نداد. یک سری شرکت اروپایی با این حال، یمن، اکنون، با یک محاصره ساده، کشتیرانی جهانی را وارونه کرده است. پس چه چیزی آسیب‌پذیرتر است؟ شبکه‌های فیزیکی تامین انرژی جهانی (Pipelineistan) یا تالاسوکراسی، دولت‌هایی که قدرت خود را از برتری دریایی می‌گیرند؟

روسیه به Pipelineistan امتیاز می‌دهد: به عنوان مثال، **نورد استریم** و قدرت سبیری 1 و 2 را ببینید. اما ایالات متحده، هژمون، همیشه به قدرت تالاسوکراتی خود، وارث «بریتانیا بر امواج حکومت می‌کند» تکیه می‌کرد.

خوب دیگر نه و در کمال تعجب، رسیدن به آنجا حتی مستلزم گزینه «هسته‌ای»، یعنی محاصره تنگه هرمز نبود، که واژگن بازی‌ها و ترساندن آن را دیوانه می‌کند.

البته ما تفنگ سیگار نخواهیم داشت. اما این یک پیشنهاد شگفت‌انگیز است که حرکت واحد یمن ممکن است در بالاترین سطح بین سه عضو بریکس - روسیه، چین و ایران، "محور شرارت" جدید نئوکانون - به علاوه دو بریکس پلاس دیگر، نیروگاه‌های

انرژی عربستان سعودی و امارات متحده عربی. همانطور که در "اگر شما این کار را انجام دهید، ما از شما حمایت می کنیم نهفته است

البته هیچ کدام از اینها خلوص یمن را کم نمی کند: دفاع آنها از فلسطین یک وظیفه مقدس است .

امپریالیسم غربی و سپس توربوکاپیتالیسم همواره در غوطه ور کردن یمن بوده اند، فرآیندی که عیسی بلومی در کتاب پر زرق و برق خود با عنوان «ویران کردن یمن» به این معناست که «ضروراً نقش تاریخی یمنی ها را به عنوان موتور اقتصادی، فرهنگی، معنوی و سیاسی سلب می کند . برای بسیاری از کشورهای اقیانوس هند .»

با این حال، یمن غیرقابل تسخیر است و به یک ضرب المثل محلی، "مرگبار" (یمن فتاکه) صادق است. به عنوان بخشی از محور مقاومت، انصارالله یمن اکنون یک بازیگر کلیدی در یک درام پیچیده در سراسر اوراسیا است که ارتباط هارتلند را با تعریف می کند . و در کنار طرح کمربند و جاده چین (BRI)، کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب به ر-----هبری هند-ایران-روسیه (INSTC) و مسیر جدید دریای شمال روسیه، همچنین شامل کنترل بر نقاط چوکات استراتژیک در اطراف دریاهای مدیترانه و شبه جزیره عربستان است

این یکی دیگر از پارادایم های ارتباط تجاری است که کنترل استعماری و نواستعماری غرب آفریقا-اوراسیا را تا حدودی درهم می شکند بنابراین بله، BRICS+ از یمن حمایت می کند، که با یک حرکت فیلم The Mother of All Geopolitical Jams را به Pax Americana تقدیم کرد.

با تقدیم احترامات «2024-01-01»